

دربارهٔ عشق

و

یازده داستان دیگر

آنتون پاولوویچ چخوف

ترجمهٔ

رضا امیر رحیمی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۹

داستان‌های این مجموعه، از منتخبات سه‌جلدی داستان‌های آنتون پاولوویچ چخوف چاپ ۱۹۵۸ مسکو و منتخبات یک‌جلدی آثار چخوف چاپ ۱۹۴۰ مسکو و مجموعه داستان‌های کوتاه چخوف چاپ ۱۹۸۱ «انتشارات زبان روسی مسکو» انتخاب و از روسی به فارسی ترجمه شده است. این توضیح ضروری است که ناشران روسی به‌نوبه خود داستان‌ها را از مجموعه آثار دوازده‌جلدی چخوف انتخاب کرده‌اند.

## فهرست

- پولینکا / ۹  
حادثه‌ای در زندگی یک پزشک / ۱۷  
وروچکا / ۳۳  
می‌خواهد بخوابد / ۴۹  
خانه‌ای با اتاق زیر شیروانی / ۵۷  
جان دلم / ۸۱  
درباره عشق / ۹۷  
یونییچ / ۱۰۹  
لجن / ۱۳۳  
«آنا» به گردن / ۱۵۷  
خانمی با سگ کوچک / ۱۷۳  
عروس / ۱۹۵

## پولینکا

Полинька

ساعت دو بعدازظهر است. در مغازه خرازی و پارچه‌فروشی «تازه‌های پاریس» در یکی از پاساژها، دادوستد گرمی در جریان است. مهمه یکنواخت فروشندگان شنیده می‌شود، همان مهمه کلاس‌های درس، وقتی که معلم شاگردها را وامی دارد مطلبی را با صدای بلند و طوطی‌وار از بر کنند. اما این مهمه یکنواخت، صدای بلند خانم‌ها، صدای درِ ورودی شیشه‌دار و صدای بچه‌هایی را که سرگرم دویدند خاموش نمی‌کند.

پولینکا دختر ماری آندره یونی صاحب کارگاه مُد، وسط مغازه ایستاده است. کوچک‌اندام، لاغر و موطلابی است، و با نگاه کسی را جستجو می‌کند. پسرک ابروسپاهی به سوی او می‌دود، نگاهی جدی به او می‌اندازد و می‌پرسد:

«خانم چه فرمایشی دارید؟»

پولینکا پاسخ می‌دهد: «همیشه نیکلای تیموفه ایچ به کار من می‌رسد.» نیکلای تیموفه ایچ، فروشنده خوش‌اندام و سبزه موفر فری که لباس آخرین مُد پوشیده و سنجاق بزرگی به کراواتش زده و تازه پیشخان جلو خود را تمیز کرده، گردن می‌کشد و با لبخندی به پولینکا نگاه می‌کند.

با صدایی رسا و سرزنده و اندکی بم فریاد می‌کشد: «سلام عرض می‌کنم پلاگه یا سرگه یونا! بفرمایید!»

پولینکا به سوی او می‌رود و می‌گوید: «سلام، می‌بینید که دوباره نزد شما آمده‌ام ... تور حاشیه می‌خواهم.»

«برای چه می خواهید؟»

«برای سینه‌بند و قسمت پشت آن، خلاصه برای یک دست کامل

می خواهم.»

«همین الآن.»

نیکلای تیموفه ایچ چند نوع تور حاشیه را که با لاقیدی انتخاب کرده، در برابر او می‌گذارد و شروع به چانه زدن می‌کند.

درحالی‌که لبخند پُر ملاحظتی می‌زند می‌کوشد او را متقاعد کند، «انتخاب با شماست، قیمت‌ها اصلاً زیاد نیست! این تور حاشیه فرانسوی و نگین‌دار است ... بخواهید معمولی‌اش را هم داریم، قیمتش ... آرشینی<sup>۱</sup> چهل و پنج کوچک است، به آن برزندگی نیست! انتخاب با شماست!»

پولینکا روی تورهای حاشیه خم می‌شود و معلوم نیست چرا آه می‌کشد، می‌گوید: «می‌خواهم پهلوهایش منجوق‌دار باشد با دکمه‌های گل‌دار. در مغازه منجوق این‌رنگی پیدا می‌شود؟»

«البته که پیدا می‌شود.»

پولینکا بیشتر روی پیشخان خم می‌شود و آهسته می‌پرسد:

«نیکلای تیموفه ایچ چرا پنجشنبه آن‌قدر زود رفتید؟»

فروشنده با نیشخندی می‌گوید: «هوم! عجیب است که شما متوجه شدید،

چنان سرگرم آن آقای دانشجو بودید ... عجیب است که متوجه شدید!»

پولینکا سرخ می‌شود و سکوت می‌کند. فروشنده با لرزشی عصبی در انگشت‌هایش بی‌دلیل در جعبه‌ها را می‌بندد و آنها را روی هم می‌گذارد. چند لحظه در سکوت می‌گذرد.

پولینکا چشم‌های گناه‌کارش را به فروشنده می‌اندازد و می‌گوید: «من

دانتل منجوق‌دار هم می‌خواهم.»

«چه نوعی؟ دانتل منجوق‌دار با تور درشت سیاه و همین‌طور رنگی

آخرین مد را داریم.»

۱. واحد طول و معادل ۷۰ سانتی‌متر است. - م.